

۲۷/۱۱/۱۴۰۴-۲۷ شعبان ۱۴۴۷-۱۶ فوریه ۲۰۲۶- فقه معاصر- فقه الاداره - فقه انگیزش (فقه مدیریت رفتار سازمانی) - فقه روابط انسانی سازمانی - نقشه راه مصباح الشریعه- درس ۹۳- تعاملات اربعه - تعامل سوم - تعامل مدیر با خلق - اصول سبعة<sup>۱</sup> - اصل چهارم - سخاء - حقیقت سخاوت سازمانی

❖ مسئله ۹۳: سخاوت هریک از کارکنان و مدیران نسبت به یکدیگر در موردی است که از آنچه دارد و مالک است بذل کرده، و مقصود او از این عمل خدا و برای خدا باشد و اما کارمند و مدیری که تظاهر به سخاوت می کند و بذل و بخشش او در راههای خلاف و عصیان است؛ هر آینه او مورد سخط و غضب خدا واقع خواهد شد، و چنین شخصی بخیل ترین مردم است برای نفس خود تا برسد به دیگران، زیرا او از هوی و هوس خود پیروی کرده و از اوامر و فرمانهای پروردگار متعال سربلندی کرده است

سخاوت از اصول مهمه در رفتار سازمانی انگیزشی است که عماد ایمان است، از فضایل قوهی شهویه و آخرین جند عقل و از اخلاق انبیاء به عنوان عالی ترین مدیران تاریخ و جهان است. شعاع نور یقین است که از قلب مدیر سخی ساطع می شود و بخشش از محبوبها است. سخی به همکاران می رسد، چون آنها را مهم تر از خود می داند، به آنها منت نمی گذارد و خود را ممنون آنها می داند چون هدف و همت او عالی است، بذل کردن برای وی آسان است، اجازه نمی دهد همکاران درمانده شوند، ولو خود بشود و... این معانی از سخاوت را از امام صادق علیه السلام در مصباح الشریعة فراگرفتیم و فتوا دادیم تا سازمان بهشتی شود و مدیریت فرهنگ سازمانی سخاوت حاکم گردد و این مهم هر چند سخت است، ولی اثر بخش و ضروری است.

برای تکمیل مفهوم و دادن فتوای دوم به بخش دوم از متن معتبر مصباح الشریعة که کتاب مدیریت رفتار سازمانی است توجه می کنیم:

الباب السابع و الثلاثون في السخاء: قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: وَ لَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِأَجْمَعِهَا لَمْ يَرِ نَفْسُهُ فِيهَا إِلَّا أَجْنَبِيًّا وَ لَوْ بَدَّلَهَا فِي ذَاتِ اللَّهِ ﷻ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ مَا مَلَ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ وَ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ وَ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ وَ الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ وَ لَا يُسَمَّى سَخِيًّا إِلَّا الْبَاذِلُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ لَوْ كَانَ بِرَغِيفٍ أَوْ شَرْبَةِ مَاءٍ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ السَّخِيُّ بِمَا مَلَكَ وَ أَرَادَ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَمَّا الْمُسَخِّي فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَحَمَالٌ سَخَطَ اللَّهُ وَ غَضِبَهُ وَ هُوَ أَجْلُ النَّاسِ لِنَفْسِهِ فَكَيْفَ لِعَيْرِهِ حَيْثُ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ خَالَفَ أَمْرَ اللَّهِ ﷻ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَ أَثْقَالَ مَعَ أَثْقَالِهِمْ.

تفقه: عقل سخاوت را از جنود خود می داند؛ زیرا منافع بسیاری برای فرد و گروه و سازمان دارد و تفویت این منافع را تقبیح و ممنوع می کند. شرع هم این ادراک و الزام را تأیید می کند و سخاوت را برای سازمانیان امری راجح و لازم می داند. این تأیید را به وضوح در مصباح الشریعة ملاحظه کردیم.

فنتحصل که سخاوت هریک از کارکنان و مدیران نسبت به یکدیگر در موردی است که از آنچه دارد و مالک است بذل کرده، و مقصود او از این عمل خدا و برای خدا باشد و اما کارمند و مدیری که تظاهر به سخاوت می کند و بذل و بخشش او در راههای خلاف و عصیان است؛ هر آینه او در مورد سخط و غضب خدا واقع خواهد

<sup>۱</sup> قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام أَصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَفْعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجِهٍ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا وَ كُلُّ وَجْهٍ مِنْهَا مُنْقَسِمٌ عَلَى سَبْعَةِ أَرْكَانٍ أَمَّا أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاءٍ أَدَاءُ حَقِّهِ وَ حِفْظُ حَدِّهِ وَ شُكْرُ عَطَائِهِ وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ تَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَ الشُّوْقُ إِلَيْهِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةُ الْحَتْفِ وَ الْجُهْدُ وَ حَمْلُ الْأَدَى وَ الرِّيَاضَةُ وَ طَلَبُ الصِّدْقِ وَ الْإِخْلَاصُ وَ إِخْرَاجُهَا مِنْ مَحَبُّوبِهَا وَ رِبْطُهَا فِي الْفَقْرِ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةُ الْحِلْمِ وَ الْعَفْوُ وَ التَّوَاضُعُ وَ السَّخَاءُ وَ الشَّفَقَةُ وَ النَّصْحُ وَ الْعَدْلُ وَ الْإِنصَافُ وَ أَصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةُ الرِّضَا بِالذُّونِ وَ الْإِيْقَازُ بِالْمَوْجُودِ وَ تَرْكُ طَلَبِ الْمَفْقُودِ وَ بَعْضُ الْكَثْرَةِ وَ اخْتِيَارُ الزُّهْدِ وَ مَعْرِفَةُ آفَاتِهَا وَ رَفْضُ شَهَوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخُصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَهُوَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَ عِبَادِهِ الْمُقْرَبِينَ وَ أَوْلِيَائِهِ حَقًّا. (امام جعفر بن محمد، مصباح الشریعة، ص ۵)

شد، و چنین شخصی بخیل‌ترین مردم است برای نفس خود تا برسد به دیگران، زیرا او از هوی و هوس خود پیروی کرده و از اوامر و فرمان‌های پروردگار متعال سرپیچی کرده است.

### برای مطالعه

وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ ابْنُ آدَمَ مِلْكِي مِلْكِي وَ مَالِي مَالِي يَا مَسْكِينُ أَيَّنَ كُنْتَ حَيْثُ كَانَ الْمَلِكُ وَ لَمْ تَكُنْ وَ هَلْ لَكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْنَيْتَ أَوْ لَبَسْتَ فَأَبْلَيْتَ أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَبْقَيْتَ إِمَّا مَرْحُومٌ بِهِ أَوْ مُعَاقَبٌ عَلَيْهِ فَاعْقِلْ أَنْ لَا يَكُونَ مَالٌ غَيْرَكَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ مَالِكَ فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ مَا قَدَّمْتَ فَهُوَ لِلْمَالِكِينَ وَ مَا أَخَّرْتَ

فَهُوَ لِلْوَارِثِينَ وَ مَا مَعَكَ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِ سَبِيلٌ سِوَى الْعُرْوِ بِهِ كَمْ تَسْعَى فِي طَلَبِ الدُّنْيَا وَ كَمْ تَدْعِي أَ قُتْرِيْدُ  
 أَنْ تُفْقِرَ نَفْسَكَ وَ تُعْنِي غَيْرَكَ. ۳۲

۲ الباب الثالث و الخمسون في السخاء: قال الصادق عليه السلام: السخاء من اخلاق الأنبياء، و هو عماد الايمان، و لا يكون مؤمن إلا سخيا (و لا يكون مؤمنا الا سخيا) و لا يكون سخيا إلا ذو يقين و همة عالية، لان السخاء شعاع نور اليقين، و من عرف ما قصدها عليه ما بذل، قال النبي صلى الله عليه وآله: ما جبل ولي الله الا على السخاء. و السخاء ما يقع على كل محبوب أقله الدنيا. و من علامة السخاء أن لا يبالي من أكل الدنيا و من ملكها، مؤمن او كافر، و مطيع او عاص، و شريف أو وضيع، يطعم غيره و يوجع و يكسو غيره و يعري و يعطي غيره و يمتنع من قبول عطاء غيره، و يمن بذلك و لا يمن. ترجمه: (باب پنجاه و سوم در سخاوت) حضرت صادق عليه السلام فرمود: سخاوت از اخلاق پیغمبرانست. و آن ستون ایمانست، زیرا کسی که ایمان در دل او بر قرار شد؛ ناچار صفت سخاوت را نیز خواهد داشت. و هرگز کسی سخی نمی شود مگر آنکه صفت طمأنینه و یقین در قلب او جا گرفته و دارای همت بلند باشد. زیرا که سخاوت شعاعیست از انوار یقین، و اگر کسی معرفت و یقین به مقصود و مطلوب حقیقی پیدا کند؛ بذل و احسان و سخاوت کردن برای او بسیار آسان و سهل خواهد بود. رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرموده است: دوستان خدا روی فطرت و از اصل خلقت سخی هستند. و سخاوت تعلق می گیرد به آنچه نزد بنده محبوب و مورد علاقه است. و از علائم سخاوت و شخص سخی آنکه هرگز در فکر آن نیست که مال دنیا نصیب که می شود، و کدام کسی مالک یا حاکم یا سلطان می شود، خواه آن ثروتمند و یا مالک و یا حاکم مسلمان و مؤمن باشند و یا کافر، معصیت کار باشند و یا مطیع و فرمانبردار، شخص شریف و عزیزی باشند و یا پست. و شخص سخی دیگران را بر خود مقدم می شمارد، به دیگران اطعام می کند و خود گرسنه می ماند، دیگران را می پوشاند و خود احتیاج به لباس دارد، بذل و عطا می کند به دیگران و خود از قبول عطا امتناع می کند، و در مقام بذل و سخاء نه تنها منتی نهد بلکه خود ممنون می شود. شرح: سخاوت مقابل بخل است، و بخل آن است که شخص بخیل نتواند دیگری را به حالت نعمت و ثروت و تشخص مادی و معنوی ببیند، تا برسد به آن که خود احسان و انفاق و تعلیم و راهنمایی کند. و سخاوت نیز مانند بخل مراتب مختلفی پیدا می کند. مانند انفاق مال، تعلیم علم، تربیت ادبی و اخلاقی، اعطاء شخصیت و عنوان، و هر گونه بذل و بخششی که بدون غرض انجام بگیرد. سخاوت هنگامی در وجود يك شخص پیدا می شود که ایمان کامل به پروردگار متعال و به قدرت و نفوذ و احاطه و علم او به دست آورده، و جهان و جهانیان را تحت فرمان و حکومت مطلق او ببیند. انسان چون به این درجه ای ایمان رسید، قهرا امور دنیوی و مادیات در نظر او کوچک و بی ارزش شده، و بندگان خدا همه در چشم او محبوب و محترم واقع گشته، و مطلوب و مقصود او در سیر زندگی تحصیل کمال و قرب به خداوند متعال خواهد بود. این است که بذل و بخشش و خیر خواهی و خدمت به نوع و دستگیری از بندگان خدا در نزد او بسیار پسندیده و مطلوب خواهد بود. و لو ملك الدنيا بأجمعها لم ير نفسه فيها الا أجنبيا، و لو بذلها في ذات الله صلى الله عليه وآله في ساعة واحدة ما مل. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: السخى قريب من الله و قريب من الناس و قريب من الجنة بعيد من النار. و البخيل بعيد من الله بعيد من الناس بعيد من الجنة و قريب من النار. و لا يسمى سخيا الا بالذال في طاعة الله و لو جهه و لو كان برغيف او شربة ماء. قال النبي صلى الله عليه وآله: السخى بما ملك (بملك) و أراد به وجه الله، و اما المتسخى في معصيته الله فحمال سخط الله و غضبه، و هو أبخل الناس لنفسه فكيف لغيره، حيث اتبع هواه و خالف أمر الله عز و جل. قال الله تعالى: **وَلِيَحْمِلُوا أثْقَالَهُمْ وَأَتْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ**. ترجمه: و هر گاه همه دنیا را به تصرف و ملك خود در آورد، نخواهد دید خود را در دنیا مگر مانند شخصی که بیگانه است، و اگر بذل و بخشش کند همه دارایی خود را در راه خدا و برای خدا و در ظرف يك ساعت، هرگز ملول و متأثر نمی شود. رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرموده است: شخص سخی نزدیک است به خدا و نزدیک است به مردم و نزدیک است به بهشت و دور است از آتش، و شخص بخیل دور است از خدا و دور است از مردم و دور است از بهشت و نزدیک است به آتش جهنم. و شخصی را که بذل می کند هنگامی سخی گویند که: بخشش او در اطاعت خدا و برای خدا باشد، اگر چه بذل او منحصر به يك قرصه نان یا مقدار مختصری از آب باشد. رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرموده است: سخی در موردی است که از آنچه دارد و مالک است بذل کرده، و مقصود او از این عمل خدا و برای خدا باشد. و اما کسی که تظاهر به سخاوت می کند و بذل و بخشش او در راههای خلاف و عصیان است؛ هر آینه او در مورد سخط و غضب خدا واقع خواهد شد، و چنین شخصی بخیل ترین مردم است برای نفس خود تا برسد به دیگران، زیرا او از هوی و هوس خود پیروی کرده و از اوامر و فرمانهای پروردگار متعال سر پیچی نموده است. خداوند می فرماید: و آنان حمل می کنند سنگینیهای دیگران را با سنگینیهایی که ضمیمه سنگینیهای خودشان است (عنکبوت: ۱۳). شرح: بذل و بخشش بر دو قسم است: اول بذل در راه خدا و برای خدا است، و منظوری به جز خدا ندارد. دوم بذل روی غرضهای مادی و مقاصد دنیوی از کسب عنوان و تحصیل اعتبار و ترویج باطل و اعانت به ظلم و فساد. و آنچه مورد مدح و ستایش است، قسم اول است. و اما قسم دوم: گذشته از اینکه به او سخی نمی گویند، عنوان بخل نیز درباره ای او صدق خواهد کرد، زیرا این شخص با این بذل خود را از قرب خدا و از بهشت برکنار کرده، و به سوی آتش و غضب الهی نزدیک خواهد کرد، و بالاتر از این آنکه: گناه و وبال دیگران را نیز به عهده خود خواهد گرفت. پس بذل کردن در صورتی که در راه خدا نشد؛ در حقیقت خود را از راه صلاح و حق و هدایت منحرف کرده، و سعادت و خیر و خوشی خود را از دست خواهد داد، و بالاترین مرتبه بخل آنست که خلاف صلاح و خیر خود را بخاورد. جود جمله آن عوضها دیدن است/پس عوض دیدن ضد رسیدن است؛ بخل نادیدن بود اعراض ما/شاد دارد دیده در اغراض ما؛ پس سخا از چشم آید نه ز دست/دیده دارد کار و جز بیناتر است؛ بر لب جو بخل آب آن را بود/که ز آب جوی نایبنا بود؛ ترك لذتها و شهوتها سخا است/هر که در شهوت فرو شد برخواست؛ مرد محسن ليك احسانش نرد/تا نپنداری به مرگ او جان سپرد؛ مال در ايثار اگر گردد تلف/در درون صد زندگی آید خلف. يقول الله: ابن آدم ملكي ملكي و مالي مالي، یا مسكين أين كنت

حيث كان الملك و لم تكن، و هل لك الا ما اكلت فأفئيت أو لبست فأبليت او تصدقت فأبقيت، اما مرحوم به او معاقب عليه، فاعقل أن لا يكون مال غيرك أحب اليك من مالك، فقد قال أمير المؤمنين علي عليه السلام ما قدمت فهو للمالكين و ما أخرت فهو للوارثين و ما معك ليس لك عليه سبيل سوى الغرور به: كم تسعى في طلب الدنيا؟ و كم تدعى (ترعى)؟ أفتريد أن تفقر نفسك و تغني غيرك؟ ترجمه: خداوند متعال می فرماید: ای پسر آدم ملك از من است و مال از من است و من مالك همه جهان هستم، ای پسر آدم تو مسكين و نیازمند هستی و این ملك و مال پیش از تو بود و پس از تو هم خواهد بود، و برای تو از جهان نصیبی نیست مگر آنچه بخوری و تمام شود، یا بیوشی و مندرس گردد، یا انفاق و بخشش کنی، و بیش از این مقدار از مال و ملك دنیا نتوانی تصرف کنی. و هر گونه تصرفی که در مال دنیا می کنی، اگر برای خدا و در راه خدا و به نیت خیر باشد، در نتیجه اجر و ثواب آن را خواهی دید. و اگر به نیت شر و فساد و روی هوسرانی و لهو باشد؛ باز به جزای بد و عقاب آن خواهی رسید. پس خوب متوجه باش که اموال دیگران محبوبتر نباشد برای تو از مال خودت، یعنی برای حفظ و نگهداری حقیقی مال خود مراقبت کن چنان که در نگهداری اموال دیگران مراقب هستی، و هنگامی مال خود را حفظ خواهی کرد که: طوری رفتار کنی که پس از مرگ از آن مال بهره مند گردی. امیر المؤمنین عليه السلام فرموده است: آنچه از مال دنیا در راه خیر و برای خدا مصرف کرده، و پیش از خود برای آخرت ذخیره کردی، برای تو باقی خواهد ماند، و آنچه را که نگه داشته و برای پس از خود باقی گذاردی، برای وارثان تو نگهداری شده و مخصوص آنان خواهد بود. و آنچه در ایام زندگی نزد تو و به دست تو می باشد از اموال منقول و غیر منقول، نفعی به حال تو نخواهد داشت، مگر آنکه از جهت این دارایی و ثروت ظاهری حالت غرور و خود بینی پیدا کنی. پس تا کی و چقدر برای دنیا کوشش و سعی می کنی؟ و چقدر دنیا را برای خود می خوانی؟ آیا می خواهی که خود را فقیر و نیازمند کرده، و دیگران را با اموال خود مالدار کنی؟ شرح: تحصیل مال دنیا و استفاده از امور و متاع دنیوی اگر برای خدا و به نیت پاک و صحیح شد؛ خود آن از عبادات و طاعات محسوب می شود، و از عنوان اشتغال دنیوی بیرون است. و در صورتی که روی نیت فاسد و به اغراض نامشروع صورت گیرد، آن هم نامطلوب و محرم خواهد بود. و اگر به قصد تنها استفاده از متاع دنیا و علاقه به دنیا باشد، در این صورت است که سه مرحله برای آن تصور می شود. مرحله زندگی دنیوی: یعنی آن مقدار از مال و ملك و وسائلی که مورد استفاده قرار گرفته، و در طول زندگی در این دنیا لازم می شود. مرحله مصارف برای آخرت: یعنی اموالی که برای خدا و در راههای خیر خرج شده، و توشه زندگی اخروی می شود. مرحله اموال باقیمانده: یعنی اموالی که پس از سپری شدن این زندگی برای باقیماندهگان باقی می ماند و باید متوجه شد که مال و ملك و همه موجودات از خداوند متعال و مخصوص او می باشد، و هر مقداری که در تصرف و اختیار ما قرار گرفته، و به صورت مال و ملك ما گشت، می باید تا می توانیم برای زندگی دنیوی و اخروی خودمان از آن استفاده کرده، و بدون عوض و بی نتیجه از دست خود بیرون نکنیم. می توان از مال کسب آخرت/هم شود حاصل بدان صد معصیت؛ مال تخمست و به هر شوره منه/تیغ را در دست هر رهنز مده؛ مال دنیا چیست آلات غذا/تا نسازی آلت نفس و هوی؛ خرج اگر کردی پی فسق و فجور/نیست حاصل جز عذاب اندر قبور؛ و رکنی آن صرف در راه خدا/می توانی یافتن راه هدا؛ آب در کشتی هلاک کشتی است/لیک اندر زیر کشتی پشتی است. (امام جعفر بن محمد عليه السلام، مصباح الشریعة، صص. ۸۱-۸۵)